



An Exegetical Analysis of the Story of Sulaymān and the Queen of Sheba from the View of the *Qur'an* and Its Comparison with the *Old Testament*

Seyyed Hossayn Hossayni Bajdani* | Mahdi Mahrizi Tarqi**
Seyyed Mohammad Bāqir Hojjati*** | 'Enāyat Sharifi****

Received: 2020/5/3 | Accepted: 2020/11/7

Abstract

The story of Sulaymān and the Queen of Sheba has been narrated in the *Noble Qur'an* and the *Old Testament* as one of the profound stories among the thinkers. From the comparison of these two narrations, it is concluded that although both scriptures have recognized the ultimate purpose of the Queen of Sheba was understanding the wisdom of Sulaymān and have confirmed the historical existence of Prophet Sulaymān and the story in terms of establishing social and human relations, lineage, knowledge, and wisdom of Sulaymān and so on, they are different with respect to the quantity and quality of narrating many aspects such as calling Bilqis' throne, bringing an account by the Hoopoe Bird (Hud Hud), passing the glass surface by Bilqis and so on quoted in the *Noble Qur'an* with educational purposes whereas they have not been mentioned in the *Old Testament*. Besides, there are fundamental differences between the reporting method in these two scriptures in issues such as position (kingdom or prophethood), infallibility of Sulaymān from the beginning until the end of his reign, highlighting the process of converting to Islam and the promotion of the Queen of Sheba from idolatry to Tawhid (monotheism) and so on such that the most basic differences between these two narrations refer to their different approach and explanation (in terms of being for guidance or entertainment). Therefore, the comparative display of the differences and similarities as well as the analysis of this visit in terms of method, structure, and content using a descriptive-analytical approach is considered the main innovative purpose of the present article.



Keywords: Sulaymān, Queen of Sheba, *Noble Qur'an*, *Old Testament*

* Ph.D. Student in the Qur'an's Sciences and Hadith, Islamic Āzād University (Sciences and Researches Branch). Tehran, Iran | hosein.bojdani@yahoo.com.

** Assistant Professor at the Department of the Qur'an's Sciences and Hadith, Islamic Āzād University (Sciences and Researches Branch). Tehran, Iran (Corresponding Author) | toosi217@gmail.com.

*** Assistant Professor at the Department of the Qur'an's Sciences and Hadith, Islamic Āzād University (Sciences and Researches Branch). Tehran, Iran | s.m.hijati@gmail.com.

**** Associate Professor at the Department of Islamic Education, Allāma Tabātabā'i University, Tehran, Iran | enayat.sharifi@yahoo.com.

□ Hossayni Bajdani, S.H; Mahrizi Tarqi, M; Hojjati, S.M.B; Sharifi, E. (2021) An Exegetical Analysis of the Story of Sulaymān and the Queen of Sheba from the View of the Qur'an and Its Comparison with the Old Testament. *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 7 (13) 205-229. Doi: 10.22091/PTT.2021.6192.1870





بررسی و تحلیل تفسیری داستان سلیمان (ع) و ملکه سبا در نگاه قرآن کریم و تطبیق آن با عهد قدیم

سید حسین حسینی بجدنی* | مهدی مهریزی طرقي** | سید محمد باقر حجتی***
عنایت شریفی****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۴ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷

چکیده

داستان سلیمان (ع) و ملکه سبا، در قرآن کریم و عهد قدیم نقل شده و از قصه‌های قابل تعمق برای اندیشه‌وران است. از تطبیق این دو کتاب، استنتاج می‌گردد که هر دو کتاب هدف غایی ملکه سبا را درک و دریافت حکمت سلیمان تلقی نموده‌اند و متعرض در تأیید وجود تاریخی حضرت سلیمان (ع) و پذیرش اصل داستان از حیث بنا نهادن روابط اجتماعی و انسانی، نسب، دانش و حکمت سلیمان (ع) و غیره شده‌اند؛ اما در حجم و نوع بیان بسیاری از ارکان این موضوع، همانند احضار تخت بلقیس، خبر آوردن هدیه، عبور بلقیس از آبگینه و غیره که در قرآن کریم با هدف تعلیم و تربیت نقل شده، در عهد قدیم بیان نشده‌اند؛ هم‌چنین در این دو کتاب، شیوه گزارش این گزاره‌ها در مسائلی چون: جایگاه (پادشاهی یا پیامبری)، عصمت سلیمان (ع) از آغاز تا فرجام سلطنت، برجسته‌سازی فرآیند دین‌دار شدن و ارتقای مقام ملکه سبا از بت‌پرستی به توحید و غیره، اختلافات مبنایی وجود دارد که اساسی‌ترین نکته افتراقی را در تفاوت رویکردها و اشارات تشریحی (هدایتی یا سرگرمی) در بیان این داستان باید دانست. از این رو، نشان دادن تطبیقی تفاوت‌ها و شباهت‌ها و تحلیل این دیدار از حیث روش، ساختار و محتوا با رویکردی توصیفی-تحلیلی، هدف اصلی و بدیع مقاله حاضر قلمداد می‌شود.



کلیدواژه‌گان: سلیمان، نسب، ملکه سبا، قرآن کریم، عهد قدیم.

* دانشجوی دکتری رشته الهیات، علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران | hosein.bojdani@yahoo.com

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول (نویسنده مسئول) | toosi217@gmail.com

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران | s.m.hijati@gmail.com

**** دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران | enayat.sharifi@yahoo.com

□ حسین بجدنی، س.ح؛ مهریزی طرقي، م؛ حجتی، س.م.ح؛ شریفی، ع. (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل تفسیری داستان سلیمان (ع) و ملکه سبا در نگاه قرآن کریم و تطبیق آن با عهد قدیم، دوفصل‌نامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. ۷ (۱۳)، ۲۰۵-۲۲۹

Doi: 10.22091/PTT.2021.6192.1870



مقدمه

معجزه یکی از راه‌های شناخت انبیاست و نبوت جاودانی، معجزه جاوید می‌خواهد که خداوند، قرآن کریم را به همین منظور نازل نموده است. اثبات این مدعا، اذعان خداوند بر امی بودن پیامبر (ص) است (اعراف: ۱۵۷ و ۱۵۸؛ عنکبوت: ۴۸). با این که رسول خدا (ص) درس نخوانده بود، کتابی آورد که مملو از معارف عقلی و فلسفی است. لذا مباحثات کردن با مخالفان قرآن در این خصوص که رسول خدا (ص) محتوای این کتاب را از دیگران فرا گرفته، چالش جدیدی را برای آنان پدید خواهد آورد؛ چه این که لازمه این سخن آن است که رسول خدا (ص) دانش خویش را از دانشمندان عصرش فرا گرفته باشد؛ در حالی که عرضه ایشان برای بشر، نه تنها با باورهای مردم آن دوران سنخیت ندارد، بلکه درست نقطه مقابل آن است. لذا در جهت اثبات این ادعا، نگاهی نو به داستان زندگی حضرت سلیمان (ع) می‌اندازیم تا از شاهراه بررسی تطبیقی این داستان، اعجاز محتوایی قرآن کریم را بیش از پیش اثبات نماییم و سرانجام برای پرسش‌های زیر پاسخی منطقی بیابیم:

۱. قرآن کریم داستان ملکه سبا را چگونه تشریح می‌کند؟
۲. دیدگاه عهد قدیم در مورد داستان ملکه سبا چیست؟
۳. وجوه مشترک و متفاوت داستان ملکه سبا در قرآن کریم و عهد قدیم کدام است؟

پیشینه تحقیق

بررسی تطبیقی داستان حضرت سلیمان (ع) و ملکه سبا از دیدگاه قرآن کریم و عهد قدیم، با وجود اهمیت فراوان جنبه‌های حکمت آموزش، در قالب هیچ نوشتاری به صورت مستقل، به آن توجه نشده است؛ هر چند با جست‌وجو در آثار دانشمندان به مطالبی در این باره برمی‌خوریم؛ از جمله فاطمه العکیلی (عقیلی) در مقاله‌ای با عنوان «حاکمیت زن از نگاه عهد قدیم و قرآن کریم با تکیه بر داستان ملکه سبا»، در اثری تطبیقی، جایگاه زن و حد حاکمیتش را در میان گزاره‌های دینی بررسی کرده است؛ هم‌چنین صدقی و گنج‌خانلو، در مقاله‌ای با نگاه به ساختار روایی داستان حضرت سلیمان (ع) و ملکه سبا بر پایه الگوی روایی گریماس، به اثبات و تحلیل نوع اعجاز عددی قرآن کریم در نگاه مفسران می‌پردازند. یا «حکمت، حکومت و خطای سلیمان (ع) در عهد عتیق با نگاهی به دیدگاه قرآن کریم» مقاله‌ای از

حیدری، تنها به بررسی ویژگی‌های فردی و حکومتی سلیمان(ع) و گفت‌وگوی حیوانات اشاره دارد. پراندوجی در مقاله «نشانه معنانشناسی فرآیند تنش در ایمان آوردن ملکه سبا»، به بررسی مفاهیم ایمان و ادله ایمان آوردن ملکه سبا اشاراتی دارد. مقاله‌ای دیگر با عنوان «نگرش تاریخی به تشریح جهاد ابتدایی در پرتو تحلیل مواجهه حضرت سلیمان(ع) با ملکه سبا»، از قهفرخی نادری است که بیش‌تر به مسائل و تحلیل گفتمان‌های قبل جنگ اشاره دارد. اغلب این نوشته‌ها، به بررسی قرآنی قصه حضرت سلیمان(ع) پرداخته‌اند و ملاک توجهشان لطایف و ظرایف قرآنی داستان، به ویژه در مبحث حقوق زنان، شیوه حکمرانی، گفت‌وگوی حیوانات و غیره بوده است. در جدیدترین اثر نیز سیدمحمدعلی ایازی در مجله پژوهش‌های قرآنی، ضمن تبیین و برجسته‌سازی نکات درونی داستان حضرت سلیمان(ع)، به شرایط و مقدمات در جهاد ابتدایی اشاره می‌کند. ناگفته پیداست که این آثار، بررسی تطبیقی داستان ملکه سبا از دیدگاه قرآن و عهد قدیم را در دستور کار قرار نداده‌اند؛ لذا نوشتار حاضر، در اثبات اعجاز محتوایی قرآن در قیاس با ناهم‌خوانی متن عهد قدیم، اثری نو به‌شمار می‌رود.

الف) تحلیل تفسیری داستان سلیمان(ع) و ملکه سبا در نگاه قرآن کریم

۱. نسب و خانواده

قرآن کریم هفده بار از سلیمان(ع) یاد نموده و نسب و خانواده ایشان را این‌گونه شرح می‌فرماید که حضرت سلیمان(ع) فرزند حضرت داوود نبی(ع) و بت شبع (Bath sheba) بوده که نسبش با یازده واسطه به حضرت یعقوب(ع) می‌رسد (قرشی، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۳۰۶)؛ مادرش نیز از جمله زنانی بوده که در قرآن از وی به نیکی یاد شده است (نمل: ۱۹). قرآن کریم می‌فرماید که سلیمان(ع)، از جهت علم و حکمت، از همه برتر بود و آثار هوش و درایت در مشریش دیده می‌شد (انبیاء: ۷۹؛ نمل: ۱۵) از این رو، حضرت داوود(ع) ایشان را در مجالس محاکمه‌اش حاضر می‌کرد تا بر قدرت قضاوتش بیفزاید. (بلاغی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۸۲)

۲. پیامبری سلیمان(ع)

قرآن کریم، حضرت سلیمان(ع) را یکی از انبیای بزرگ (نساء: ۱۶۳) به‌شمار می‌آورد

که خداوند به وی علم و حکمت آموخته (انبیاء: ۷۹) و او را «وارث داوود(ع)» معرفی فرموده است: *وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ...* (نمل: ۱۶). مفسران در مورد واژه «وارث» هم نظر نیستند؛ برخی آن را مختص علم دانسته‌اند (ابن‌العربی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۴۴۸)؛ گروهی دیگر میراث را منحصرأ مال و حکومت تعبیر نموده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۳۴۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۳۳۵)؛ عده‌ای از آن به دانش سخن گفتن با پرندگان تعبیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۳۳۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۵، ص ۴۱۷) و صاحب‌نظران دیگری نیز آن را پیامبری و دانش (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۴۹؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۴۹؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۳۵۵) دانسته‌اند؛ اما با توجه به این که آیه دارای ویژگی اطلاق است و در جملات بعدی از علم و مواهب سخن گفته (نمل: ۱۶)، محدود کردن مفهوم آیه، منطقی به نظر نمی‌رسد؛ بنابراین می‌توان گفت: سلیمان(ع) وارث همه مواهب داوود(ع)، از پیامبری تا علم و حکمت بوده است.

۳. حکمت سلیمان(ع)

قرآن در مورد ویژگی‌های شخصیتی سلیمان(ع) به دو کارکرد یعنی مسئولیتی (پادشاهی و داوری) (بقره: ۱۰۲؛ انبیاء: ۷۸ و ۷۹؛ سبأ: ۱۲ و ۱۳) و معرفتی (دانش و فرزاندگی) (انبیاء: ۷۹؛ نمل: ۱۵ و ۱۶ و ۱۹ و ۲۲) اشاره دارد. مفسران در تفسیر آیاتی که از علم و دانش سلیمان(ع) و داوود(ع) سخن به میان آورده‌اند (نمل: ۱۵)، آن را از نعمات خداوندی و نشانه برتری ایشان بر دیگران تلقی نموده‌اند (سیدبن‌قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۶۳۳؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۴۵؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۲۹۸). به بیان بهتر، از آن جاکه دانایی، زیربنای تحول‌آفرینی در جامعه انسانی به‌شمار می‌رود، خداوند در آغاز از این ویژگی سلیمان(ع) و پدرش یاد نموده و به شکرگزاری آن دو پیامبر تأکید کرده که به باور برخی دانشمندان، مراد از این دانایی، برخورداری از همه علوم مورد نیاز یک جامعه الهی است (رسول‌زاده، ۱۳۸۹ش، ص ۱۵۸). اگرچه برخی مفسران، علم و آگاهی سلیمان(ع) را برتر از داوود(ع) می‌دانند و این علم سرشار را ممیز حکمت سلیمان(ع) و باعث انتخاب وی به جانشینی داوود(ع) اعلام نموده‌اند. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۷۲)

۴. تحلیل رویارویی سلیمان(ع) و ملکه سبا در قرآن کریم

یکی از برجسته‌ترین نکات سرگذشت حضرت سلیمان(ع) که در آموزه‌های اسلامی، بیش‌تر به آن توجه شده، مواجهه ایشان و ملکه سباست. قرآن کریم در این بخش از زندگی ایشان می‌فرماید:

«سلیمان در جست‌وجوی آن پرنده (هدهد) برآمد» ﴿وَتَقَفَّذَ الطَّيْرَ﴾ (نمل: ۲۰) و گفت: «مرا چه شده است که هدهد را نمی‌بینم یا این که او از غایبان است» (نمل: ۲۰)؛ چه این که وی بر تخت خود می‌نشست و جمیع مرغان، حاضر می‌شدند و سایه می‌افکندند؛ اما روزی سلیمان(ع) به بالا نظر کرد ولی او را ندید (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۱۲۷). تعبیری که این واقعیت را تایید می‌کند، این است که او به حدی دقیق بود که حتی غایب شدن یک پرنده از نگاه وی مخفی نمی‌ماند! در ادامه می‌افزاید: «من او را قطعاً کیفر شدیدی خواهم داد یا دلیل روشنی باید بیاورد» (نمل: ۲۱). سلیمان(ع) با این تعبیر، ضمن تهدید درخصوص تخلف احتمالی، نشان داد که در برابر پرنده نیز منطقی است و هرگز اتکا به قدرتش نمی‌نماید. «چندان مکث نکرد» که هدهد آمد ﴿فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ﴾ (نمل: ۲۲). ضمیر در «مکث» به سلیمان(ع) برمی‌گردد و این معنا را می‌دهد: سلیمان(ع) پس از تهدید هدهد، اندکی مکث کرد؛ نه این که هدهد اندازه‌ای مکث کرده، چنان که برخی این گمان را برده‌اند. (فخر رازی، ۱۳۷۹ش، ج ۲۴، ص ۵۵۰)

هدهد باز گشت و به سلیمان(ع) گفت:

«من بر چیزی اطلاع یافته‌م که تو به آن علم نداری! من از سرزمین سبا خبری قطعی برای تو آورده‌ام» (نمل: ۲۲). «من زنی را در آن جا یافته‌م که بر آن‌ها فرمان‌روایی می‌کند و همه چیز را در اختیار دارد خصوصاً تخت بزرگی داشت» (نمل: ۲۳). جمله «أُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ»، بیان‌گر عظمت سلطنت ملکه سبا و دشواری کار سلیمان(ع) و لفظ «عَرْشٌ عَظِيمٌ»، کنایه از قدرت است (ایازی، ۱۳۹۲ش، ص ۵۶). سلیمان(ع) با شنیدن این سخن به فکر فرو رفت؛ اما هدهد فرصت نداد و گفت که مسأله ناراحت‌کننده‌ای که من در آن جا مشاهده کردم این بود که: «وَجَدْتُهَا وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ...»؛ «دیدم آن زن و قومش سجده در برابر خورشید می‌کنند» (نمل: ۲۴). سلیمان(ع) گفت: «ما تحقیق به عمل می‌آوریم بینیم تو راست گفتی یا از دروغ‌گویان هستی!» (نمل: ۲۷). سلیمان(ع) به هدهد نه اتهام بست

و نه گفتار او را بدون دلیل تأیید نمود، بلکه آن را مبنای تحقیق قرار داد. لذا نامه‌ای نوشت و به هدهد داد و گفت: «این نامه مرا ببر و بر آنان بیفکن، سپس برگرد بین آن‌ها چه عکس‌العملی نشان می‌دهند؟» (نمل: ۲۸).

ملکه نامه را گشود؛ محتوای آن نشان می‌داد که سلیمان(ع) تصمیم سختی درباره سرزمین سبا گرفته است. او روی به اطرافیان کرد و گفت: «ای اشراف! نامه‌ای ارزشمند به سویم افکنده شد» (نمل: ۲۹)؛ سپس به بیان محتوای نامه پرداخت و گفت: «این نامه از طرف سلیمان(ع) و مضمونش چنین است: به نام خدای بخشنده مهربان» (نمل: ۳۰)؛ سفارشم به شما این است که *لَا تَعْلُوا عَلَيَّ وَ أَتُونِي مُسْلِمِينَ*؛ "برتری طلبی نکنید در برابر من و به طرفم آیید و تسلیم حق شوید" (نمل: ۳۱). این آیه، بازتابنده الگویی است برای شیوه نامه‌نگاری که پسندیده است با نام خداوند آغاز شود و با کم‌ترین جملات، جان سخن را بیان نماید. ملکه سبا بعد از ذکر محتوای نامه افزود: *... يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ الْأَقْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونْ*؛ «ای بزرگان! نظرتان را در این کار مهم برایم آشکار سازید که هیچ کار مهمی را بی حضور و رأی شما انجام نداده‌ام» (نمل: ۳۲). «افتونی» از «فتوا» به معنای حکم دادن دقیق در مسائل مبهم است که ملکه سبا با این بیان، علاوه بر تذکر نسبت به پیچیده بودن مسأله، به دقت در اظهار نظر کردن نیز توجه داد (فیضی دکنی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۷۲). هم‌چنین «تشهدون» از «شهود» به معنای «حضور» است؛ حضوری که همراه با مشورت باشد (اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۳۶).

اشراف قوم در جواب او چنین گفتند: «ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی زیاد هستیم، ولی تصمیم پایانی با توست، بین چه فرمان می‌دهی» (نمل: ۳۳). از آن جا که ملکه با شخصیت بود، گفت: «فرمان‌روایان وقتی وارد منطقه‌ای آباد شوند آن را به فساد و ویرانی می‌کشاند» (نمل: ۳۴). عبارت «وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» در آیه، بدین مفهوم است که ملکه سبا تحت تأثیر نامه قرار گرفته و خواسته است که یارانش را به جای دستور، از طریق رایزنی مایل به صلح نماید (گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۷۲). درحقیقت، از آن جا که خود پادشاه بود و روحیه کشورگشایان را می‌شناخت، برنامه آنان را در دو چیز خلاصه کرد: «فساد و ویران‌گری»؛ سپس بیان کرد که ما باید سلیمان(ع) را آزمایش کنیم که آیا پادشاه است یا

پیامبر؟ لذا گفت: «من هدیة ویژه‌ای برای آن‌ها ارسال می‌کنم تا بینم فرستادگان من چه عکس‌عملی از طرف آن‌ها برای ما می‌آورند» (نمل: ۳۵).

وقتی فرستاده ملکه سبا پیش سلیمان(ع) آمد، او فرمود: «می‌خواهید مرا با مال کمک نمایید؟ آن‌چه خدا به من عنایت فرموده بهتر است از آن‌چه به شما داده است»؛ *فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيَتِكُمْ تَفْرَحُونَ* (نمل: ۳۶). طبق نظر برخی مفسران، از این آیه برمی‌آید که فرستادگان ملکه سبا پس از پیمودن یمن با کاروان هدایا، به سوی شام و مقرر سلیمان(ع)، به منظور آزمایش او حرکت نمودند که در این آزمایش، سلیمان(ع) هدایا را نپذیرفت و نیت خالصانه خود در خواسته قبلی‌اش را نشان داد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۷، ص ۲۰۶؛ حجازی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۷۹۲) و سپس چنین گفت: «به طرف آنان بازگرد؛ ما به زودی با لشکریانی به سراغ آن‌ها خواهیم آمد که قدرت مقابله با آن را نداشته باشند» (نمل: ۳۷). فرستادگان ملکه سبا به سوی کشورشان بازگشتند و ماجرا را توضیح دادند؛ لذا ملکه سبا با عده‌ای از اشراف تصمیم به آمدن به طرف سلیمان(ع) گرفتند. خبر به سلیمان(ع) رسید و تصمیم گرفت قدرت‌نمایی ویژه‌ای نماید تا آن‌ها را بیش‌تر از گذشته به واقعیت اعجاز خود آشنا سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۵۱۶ تا ۵۲۰). سلیمان(ع) روی به اطرافیانش نمود و فرمود: «ای بزرگان! کدام یک از شما می‌تواند تخت او را قبل از آن که خود آن‌ها پیش من بیایند و تسلیم شوند برای من بیاورد؟» (نمل: ۳۸). منظور سلیمان(ع) این بود که وقتی ملکه سبا تخت خود را از راه دور در محضر سلیمان(ع) ببیند، به قدرت خداوند پی برده، تسلیم شود (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۲۲۳-۲۲۴). در برابر سخن سلیمان(ع) دو پاسخ صادر شد: نخست «عفریتی از جن رو به سلیمان کرد و گفت: "من تخت او را قبل از آن که از جای بلند شوی نزدت می‌آورم"» (نمل: ۳۹)؛ دوم، فرد صالحی که دانشی از کتاب داشت، گفت: «من تخت او را پیش از آن که چشم برهم زنی نزد تو خواهم آورد!» (نمل: ۴۰). نام این شخص را در تواریخ «آصف بن برخیا» نوشته‌اند و می‌گویند: وزیر سلیمان(ع) و خواهرزاده او بوده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۳۴۹؛ بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۳۰۷)؛ ضمن این که روایات اهل بیت(ع) هم مؤید آن است. (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۹۳)

این مرد با ایمان، با استفاده از نیروی معنوی اش تخت ملکه سبا را در چشم بر هم زدنی نزدش حاضر نمود؛ «پس هنگامی که سلیمان آن را در مقابلش مستقر دید گفت: "این از بخشش پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر نعمت او را به جای می آورم یا کفران می کنم"» (نمل: ۴۰). سلیمان برای این که میزان درایت ملکه سبا را بیازماید گفت: «تختش را برای او ناشناس سازید، بنگریم آیا هدایت می شود یا از کسانی خواهد بود که هدایت نمی شوند» (نمل: ۴۱)؛ «هنگامی که ملکه سبا وارد گشت گفته شد: "آیا تخت تو این گونه است؟"» (نمل: ۴۲)؛ ملکه گفت: «گویا خود آن تخت است!» (نمل: ۴۲) و بلافاصله ادامه داد: «و ما پیش از این هم اطلاع داشتیم و اسلام آورده بودیم»؛ *فَلَمَّا جَاءَتْ قَيْلَ أَهْكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ* (نمل: ۴۲). به باور برخی مفسران، ملکه سبا این پرسش‌ها را نشانه آن دانسته که سلیمان(ع) قصد دارد او را متوجه قدرت خارق‌العاده خود نماید؛ لذا چنین پاسخی می دهد (ابن جزری غرناطی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۰۳؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۹، ص ۳۰۴ و ۳۰۵)؛ یعنی اگر مقصود سلیمان(ع) از این گفتار این است که پی به اعجاز او ببریم، ما قبل از این، ایمان آورده بودیم و به این وسیله، سلیمان(ع) «او را از آن چه غیر از خدا می پرستید بازداشت» (نمل: ۴۳)؛ هر چند «او قبل از آن، از قوم کافر بود». (نمل: ۴۳)

در ادامه، صحنه دیگری از این ماجرا بازگو می شود و آن ماجرای وارد شدن ملکه سبا در قصر سلیمان(ع) است. حضرت سلیمان(ع) فرمان داده بود که صحن یکی از قصرها را بلوری سازند و در زیر آن، آب جاری نمایند. هنگامی که ملکه سبا به آن قصر رسید، «به او گفته شد: وارد حیاط قصر شود» (نمل: ۴۴)؛ «پس هنگامی که ملکه آن صحنه را مشاهده کرد، تصور کرد نهر آبی است و ساق پاهای خود را لخت کرد تا از آن آب بگذرد»؛ در حالی که در شگفت بود که نهر آب این جا چه می کند (نمل: ۴۴)؛ سلیمان به او گفت: حیاط قصر از بلور صاف ساخته شده است، این آب نیست که بخواهد پا را لخت کند و از آن عبور نماید (نمل: ۴۴). «صرح» جای گسترده و سر باز و سطحی است از شیشه که در زیر آن آب است و در داخل آب، ماهی و قورباغه و جانوران آبزی ریخته‌اند (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۱۰). هدف سلیمان(ع) از چنین جلوه‌نمایی، حقیر نشان دادن دستگاه تجملاتی ملکه سبا و تسلیم نمودن او بود؛ بنابراین وقتی ملکه سبا این صحنه را مشاهده کرد چنین گفت:

«پروردگارا! من بر خویشتم ستم نموده‌ام و با سلیمان در پیشگاه الله، پروردگار عالمیان، اسلام آوردم». (نمل: ۴۴)

درباره دلیل ساخت قصر از بلور، اسرائیلیاتی وارد شده مبنی بر اهداف شخصی سلیمان(ع) که برخی مفسران به آن‌ها پرداخته‌اند (طبری، بی تا، ج ۱۹، ص ۱۰۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۰۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۱۰)؛ اما علامه طباطبایی در این خصوص می‌گوید:

«اخباری که در قصص آن جناب آمده، مطالب عجیبی دارد که حتی نظایر آن در افسانه‌های خرافی کم‌تر دیده می‌شود و بیش‌تر آن‌ها، مبالغه‌هایی است که از امثال کعب الاحبار و وهب بن منبه و... نقل شده است». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۵۷۳)

باید توجه داشت که پیامبران الهی اهل اسراف نبوده‌اند؛ لذا در برخی روایات آمده است که سلیمان(ع) برای گذران زندگی، زنیل از برگ درخت خرما می‌بافت و می‌فروخت (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۷، ص ۳۸). بنابراین، ساخت قصر برای نمایش قدرت بود تا ملکه سبا و اطرافیانش از شکوه آن متاثر شوند و به خدا ایمان آورند. هم‌چنین به گفته برخی مفسران، یکی از اهداف سلیمان(ع) آن بود که می‌خواست بدین وسیله عقل بلقیس را بیازماید و بداند که آیا او با مشاهده این معجزات تسلیم فرمان الهی خواهد شد یا نه. (طبری، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۳۵۱)

بررسی نکات مهم داستان سلیمان(ع) و ملکه سبا در نگاه قرآن کریم

افزون بر نکات یادشده در داستان ملکه سبا و حضرت سلیمان(ع)، نکته مهم دیگری نیز وجود دارد که همان حفظ کرامت زنان و حقوق آنان و نیز مبارزه با کج‌اندیشی‌هاست؛ این مهم از شاخصه‌های زیر به دست می‌آید:

۱. ملکه سبا علی‌رغم دیدگاه کسانی که زن را ذاتاً موجودی غیررشید می‌دانند و معتقدند که به زن در دین اسلام چندان توجه نشده، زنی است خردمند که در اداره امور جامعه، آن اندازه توانمند بود که در به‌کارگیری نیروی فعال و مؤثر وجودی خویش حتی از همه مشاوران خود برتر نشان می‌داد.

۲. در تأیید نکته یادشده و بنابر این که انجام دادن کار بیهوده از شخصیت حضرت سلیمان(ع) قبیح به نظر می‌رسد، اگر زن موجودی ناقص‌العقل باشد، اساساً آزمایش کردن

بلقیس، چه توجیهی خواهد داشت؟ «لذا روایاتی از قبیل "مشاورهن و خالفوهن" را از نظر مدرک و سند مطرود بدانیم، و اگر روایت مدرک درستی دارد بکوشیم تا معنای آن را درست بدانیم تا با آنچه قرآن کریم می‌فرماید مخالفتی نداشته باشد». به علاوه، آزمایش کردن حال و قدرت حضرت سلیمان(ع) از بستر ارسال فرستادگان به حضور ایشان و نیز حاضر نشدن به تصمیم‌گیری درباره صلح یا جنگ پیش از بررسی کامل جوانب امر توسط ملکه سبا، مؤید دیگری بر این مدعاست.

۳. داستان ملکه سبا بر خلاف رأی کسانی که زن را موجودی عاطفی قلمداد می‌کنند و بر این باورند که او احساس را بیش از عقل در امور اجتماعی دخالت می‌دهد، از این حقیقت پرده برمی‌دارد که مهیا شدن بستر مناسب در جامعه، سبب آگاهی همه انسان‌ها به ارزش‌های انسانی خویش خواهد شد؛ بدیهی است زنان نیز در چنین شرایطی، همانند مردان می‌توانند حتی در امور کلان جامعه البته با حفظ عفت دخالت کنند؛ بنابراین، مطالبی که از طریق دشمنان راه حق در اخبار و روایات وارد شده، پذیرفتنی نیست.

۴. داستان مزبور نشان می‌دهد که زن خردمند می‌تواند همانند مرد خردمند در امور تدبیر کند و صاحب بصیرت باشد. پس باید در مشورت‌ها و امور از استعداد و افکارش استعانت جویم؛ زیرا در آزمایش حضرت سلیمان(ع) که ساختمانی شیشه‌ای ساخت و در زیر آن آب قرار داد (نمل/۴۴)، ملکه سبا به خوبی هدف آن را درک کرد و با بصیرت خود حقیقت را دریافت.

۵. بلقیس، زنی است که امور مملکت خود را مطابق حکم عقل اداره می‌کرد و بر پایه خرد جمعی حکومت می‌نمود؛ لذا هنگامی که نامه سلیمان(ع) را خواند، بی‌درنگ مشاوران خویش را به منظور بررسی موضوع و تصمیم‌گیری احضار کرد.

۶. ملکه سبا، پس از حضور در محضر آن حضرت، عظمت و بزرگواری حضرت سلیمان(ع) را دریافت و با خداوند این گونه نجوا کرد: «خدایا! من به خود ستم نمودم و با سلیمان برای خدایی که پروردگار جهانیان است اسلام آوردم!» (نمل: ۴۴). از این عبارات می‌توان دریافت که وقتی حق بر بلقیس روشن شد، در مقام بیان به زبان، اعتراف به خطا و

اقرار علیه نفس را بر اظهار ایمان مقدم کرد و در ادامه، توحید خود را بر اعتقاد سلیمان(ع) قرار داد و سرانجام، بر ایمان خود که همان ایمان به پروردگار جهانیان است، تأکید کرد. بر این اساس، از مواجهه سلیمان(ع) و بلقیس در قرآن کریم این نتایج حاصل می‌شود:

۱. زن نیز می‌تواند صاحب بصیرت باشد و به حقیقت پی ببرد و اجتماعی را هدایت، موحد و تسلیم حق نماید؛

۲. برای توجه دادن برخی افراد به ارزش واقعی آن‌ها و هدایشان می‌توان ابتدا تکبر آنان را از بین برد تا پرده‌های غبار آلود از جلوی چشمشان کنار رود؛ همان‌طور که سلیمان از بستر حاضر نمودن تخت ملکه سبا و هم‌چنین به اشتباه انداختن او در برابر ساختمان قصر، غرور و منیت او را در مقابل جلوه کوچکی از قدرت الهی، از بین برد.

۳. کشورگشایی هدف غایی در حکومت پیامبران نیست؛ بلکه هدف اصلی آن است که طاغیان و گمراهان، به گناه و خطای خود پی برند و در برابر خداوند سر تعظیم فرود آورند.

ب) تحلیل تفسیری داستان سلیمان(ع) و ملکه سبا در نگاه عهد قدیم

۱. نسب و خانواده

مشخصاتی که از آموزه‌های عهد عتیق در مورد مشخصات نسبی حضرت سلیمان(ع) وجود دارد، این‌گونه است که او فرزند داوود(ع) و زاده بت شبع بود که داوود(ع) او را «سلیمان» نامید. در حالی که ناتان (Nathun) او را جودیده (Jedidiah) نامید که این اسم فقط یک نام محترم و دوست‌داشتنی بود و ظاهراً نام اصلی او سلیمان(ع) می‌باشد. در مورد مادر حضرت سلیمان(ع) و نوع ازدواج حضرت داوود(ع) با بت شبع نیز در تورات در کتاب دوم «اشموئیل» این‌گونه است: «داوود روزی به پشت بام قصر می‌رود و در خانه مجاور زنی می‌بیند، عاشق می‌شود، او را به خانه آورده، آن زن از داوود باردار می‌شود! شوهر این زن، یکی از افسران برجسته لشکر داوود بود؛ داوود او را به قتل می‌رساند و پس از آن همسر او را به ازدواج خود درمی‌آورد! (کتاب‌هایی از عهد عتیق، ۱۳۸۰، شموئیل ۲: باب ۱۱، ۱۲). در اصحاح اول از انجیل متی آمده است که سلیمان پیامبر خدا، از همان زن به دنیا آمده است. هم‌چنین گفته شده که سلیمان(ع) دختر فرعون را به زنی گرفت؛ وی با زنان غریبه دیگر نیز

ازدواج می‌کرد که این به بنا کردن روابط محکم بین اسرائیل و همسایگانش اشاره دارد. (Abramsky، ج ۱۸، ص ۷۵۶)

۲. پیامبری سلیمان (ع)

آنچه در کتاب‌های عهد عتیق بیان می‌گردد آن است که پسر دیگر داوود (ع)، به نام ادونیا (Adonijah) که مادرش حجیت (Haggith) بود، به اندیشه افتاد تا بر تخت سلطنت بنشیند (کتاب‌هایی از عهد عتیق، ۱۳۸۰، اول پادشاهان ۱: ۶ و ۵). بعضی از افسران ارتش به رهبری یوآب (Joab) و ابیاتار کشیش (Abiathar) از ادونیا حمایت می‌کردند، اما صادق کاهن (Zaduk)، بنایا (Benaiah)، ناتان نبی و شمعی (Shimei)، از ادونیا حمایت نکردند و ادونیا در محلی به نام «سنگ مار» مهمانی مفصلی ترتیب داد و شاه نامیده شد (کتاب‌هایی از عهد عتیق، ۱۳۸۰، اول پادشاهان ۱: ۷) اما در طرف دیگر، ناتان نبی نزد بت شمع مادر سلیمان (ع) رفت و گفت: «آیا می‌دانی که ادونیا خود را پادشاه نامیده است؟» پس بت شمع به اتاق پادشاه (داوود) رفت و گفت: «ای پادشاه سوگند خوردید که بعد از شما پسر سلیمان (ع) بر تختان بنشیند، ولی حالا ادونیا به جای او پادشاه شده است». آن گاه پادشاه گفت: «قسم می‌خورم امروز کاری کنم که سلیمان (ع) بعد از من پادشاه شود». پس صادق کاهن و ناتان نبی و محافظان، سلیمان (ع) را بر قاطر داوود (ع) سوار کردند و به جیحون بردند. در آن جا صادق کاهن، ظرف روغن مقدس را بر سر سلیمان (ع) ریخته، او را تدهین نمود و بعد شیپورها را نواختند و مردم فریاد زدند: «زننده باد سلیمان پادشاه!» (کتاب‌هایی از عهد عتیق، ۱۳۸۰، اول پادشاهان ۱: ۱۱-۴۰) و به این ترتیب بود که سلطنت سلیمان (ع) برقرار بماند (Abramsky، ج ۱۸، ص ۷۵۶)؛ لذا سلیمان در دوازده سالگی، بر اریکه سلطنت نشست. بنابراین سخن یکی از مفسران عهد قدیم، محدوده حکومت سلیمان (ع) بیش‌تر از داوود (ع) نبوده، اما از نظر سیاسی قوی‌تر بوده (Lucks، ۲۰۰۹م، ص ۶۰-۶۵) و دوران سلطنت وی از ۹۶۱ تا ۹۲۲ پیش از میلاد، بوده است. (Cohn، ۲۰۰۳، ص ۱۹ و ۲۶)

۳. حکمت سلیمان

در آموزه‌های عهد عتیق در آگادا (A. Ro، ۱۹۵۶، ص ۱۰۶ و ۱۰۸)، به حکمت و زندگی سلیمان (ع) به بهترین وجه اشاره شده است (Seters، ۱۹۸۷، ج ۱۳، ص ۴۰۹).

سلیمان(ع) از علم خدادادی سرشاری برخوردار بود (کتاب‌هایی از عهد عتیق، ۱۳۸۰، اول پادشاهان ۳: ۱۰-۱۲؛ ۴: ۲۹-۳۴؛ ۱۰: ۲۳)، طوری که در مقایسه با پدرش نیکوتر به نظر می‌رسید (شفیعی، ۱۳۹۱ش، ص ۳۷۸؛ Comay، ۲۰۰۲م، ص ۳۱۹)؛ زیرا سلیمان نبی در خواب از خداوند حکمت طلب می‌کند تا با مردم با عدالت رفتار نماید و خداوند در پاسخ می‌فرماید: «تو چون حکمت را خواستی تا با عدل فرمان‌روایی کنی، آن‌چه مطلوب توست، به تو می‌دهم» (کتاب‌هایی از عهد عتیق، ۱۳۸۰، اول پادشاهان، ۳: ۵-۱۵). از نظر برخی نویسندگان یهودی، سلیمان(ع) در سنت، مقیاس و معیار حکمت بوده است (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۴۱؛ Scott، ۱۹۷۸، ص ۵۵۷). بعضی او را عاقل‌ترین فرد در طول تاریخ اسرائیل می‌نامند (Comay، ۲۰۰۲م، ص ۳۲۵) و وی را پادشاهی بزرگ می‌دانند که دوازده قبیله اسرائیل را با حکمت خود به یک حکومت تبدیل کرده است (Lucks، ۲۰۰۹، ص ۵۹ و ۶۰)؛ لذا آثار گوناگونی درباره داستان‌های حکمت‌آموز سلیمان(ع) وجود دارد (Karesh and Hurvitz، ۲۰۰۶، ص ۴۸۷). حکمت‌ها و اشعار او (کتاب‌هایی از عهد عتیق، ۱۳۸۰، اول پادشاهان، ۴: ۳۲)، جواب‌های او به سوالات ملکه سبا، و داوری‌های زیرکانه او را می‌توان مصدق این ویژگی تلقی کرد (شفیعی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۷۸؛ Landman، ۱۹۶۹م، ج ۹، ص ۶۳۶). بر اساس کتاب مقدس، سلیمان(ع) از عقل و دانش سرشاری برخوردار بود (کتاب‌هایی از عهد عتیق، ۱۳۸۰، اول پادشاهان، ۴: ۲۹-۳۴) و تمام حاکمان جهان نزد او می‌آمدند تا از حکمت او بهره‌برند (کتاب مقدس ۲۰۰۹م، باب ۳؛ کتاب‌هایی از عهد عتیق، ۱۳۸۰، دوم تواریخ، ۹: ۲۳؛ اول پادشاهان، ۱۰: ۲۳)؛ بنابراین در عهد عتیق بر حکمت سلیمان(ع) تأکید شده است.

۴. تحلیل رویارویی سلیمان(ع) و ملکه سبا در عهد قدیم

داستان ملکه سبا در عهد عتیق در کتاب اول پادشاهان و کتاب دوم تواریخ ایام نقل شده و بیش‌تر به مسأله هدایا و نحوه ورود ملکه به کاخ پرداخته است؛ بدین صورت که: «ملکه سبا وقتی فهمید که خدا به سلیمان(ع) حکمت و علم داده است، عازم دیدار او شد». به نقل مورخان، ملکه سبا هرآنچه را در نظر داشت، با سلیمان(ع) مطرح نمود و سلیمان(ع) به تمام پرسش‌ها پاسخ منطقی داد (ناس، ۱۳۸۶ش، ص ۵۰۶ - ۵۰۹). ملکه سبا علم سلیمان(ع) و کاخ

زیبا را دید، شگفت زده شد و به سلیمان(ع) گفت: «هرآنچه در مورد شما شنیده بودم، حقیقت داشت. ثروت و دانش شما بیش از آن است که به من گزارش نموده بودند» و ادامه داد: «خدای تو را ستایش می‌کنم». پس ملکه سبا هدایای زیادی به سلیمان داد (کتاب‌هایی از عهد عتیق، ۱۳۸۰، اول پادشاهان، ۱۴: ۱۰-۲۵، دوم تواریخ، ۹، ۱-۱۲). وقتی متن اول پادشاهان (کتاب‌هایی از عهد عتیق، ۱۳۸۰، اول پادشاهان، ۱: ۱۰-۱۳) در زمینه حکومت سلیمان(ع) خوانده می‌شود، پی می‌بریم که دیدار ملکه سبا در جهت استحکام جایگاه فرمانروایی سلیمان(ع) انجام شده است. تاریخ‌نگاران باستان به راست‌گویی، عاقل بودن و توفیقات سلیمان(ع) در مواجهه با زنان، اشاره کرده‌اند (Cohn، ۲۰۰۳، ص ۲۱ و ۳۳)؛ اما هنوز هم خیلی از سؤالات در تورات بی‌پاسخ مانده است؛ از طرح معماها توسط ملکه و جواب‌های سلیمان(ع)، هیچ مطلبی در تورات نیامده، اما از علم و خرد سلیمان(ع) سخن گفته و اشاره‌ای به احتمال عاشق شدن او نکرده است. این سؤالات بحث‌های زیادی را میان مفسران عهد عتیق به راه انداخته است (عباسی و آزادگان، ۱۳۹۱ش، ص ۵۳-۷۴). روایات و نقل از این ملاقات سربسته در تورات، اما و اگرهای بسیاری را به دنبال خود آورده و مقدمه پیدایش شاخ و برگ‌های فراوان در آثار بعدی آنان گردیده است.

نقد و تحلیل مقایسه‌ای آیات قرآن کریم و عهد قدیم

بررسی قرآن کریم و عهد قدیم درباره نقل امور تاریخی، از دو زاویه قابل توجه است؛ یکی از زاویه حوادثی که در محتوا و بطن اتفاقات ثبت شده؛ و دیگر از حیث چگونگی طرح حوادث و رویدادهای تاریخی. قرآن کریم و عهد قدیم در نقل رویدادهای تاریخی و جوه اشتراک فراوانی دارند. به بیان دیگر، بیش‌تر پدیده‌های تاریخی که قرآن از آن‌ها یاد کرده است، در عهد قدیم نیز به گونه‌ای مطرح شده‌اند؛ از جمله داستان حضرت سلیمان(ع) و ملکه سبا؛ و همین امر باعث می‌شود که بررسی و مقایسه میان قرآن کریم و عهد قدیم در این خصوص امکان‌پذیر باشد.

۱. اشتراکات قرآن کریم و عهد قدیم

اگر در مطالعات تطبیقی، ارزیابی‌ها به صورت جزئی-موردی صورت گیرد و با نگاه مثبت یا بدون پیش‌فرض بدبینانه به این مقایسه تطبیقی نگریسته شود، اشتراک و هم‌سویی بین

دو دیدگاه قرآن کریم و عهد قدیم در بخش‌های گوناگون ظاهر می‌شود و این واقعیت آشکار می‌گردد که جدا از ژرفا و فهم عمقی، در سطح و ظاهر نیز هم‌سویی میان قرآن کریم و عهد قدیم وجود دارد. در موضوع مورد بحث یعنی داستان حضرت سلیمان(ع) و ملکه سبا نیز این نقاط و زمینه‌های مشترک به چشم می‌خورند که در میان آن‌ها، چند نکته نسبت به سایر نکات، برجسته‌تر هستند؛ نخستین زمینه مشترک، اهمیت تشریح در تأیید وجود تاریخی حضرت سلیمان(ع) و پذیرش اصل داستان است؛ دوم، بنا نهادن روابط اجتماعی و انسانی است که در خلال بیان داستان بدان تأکید می‌گردد؛ چراکه سلیمان(ع) در مقام مذاکره با ملکه سبا در کاخ خود برآمده و با او به گفت‌وگوی منطقی می‌نشیند و کلام را به برهان و استدلال متکی می‌سازد؛ سوم، در هیچ کدام از دو دیدگاه درباره حکمت سلیمان و دانشی که خداوند به او داده است، اختلافی وجود ندارد؛ لذا وجود دانش و سیاست قوی در شخصیت حضرت سلیمان(ع) به عنوان حاکم جامعه، به فرمان‌روایی ایشان مشروعیت می‌بخشد؛ چهارمین وجه مشترک به لحاظ بیان داستان، امور تشریحی قرآن و عهد قدیم است؛ بیش‌تر این امور در این دو دیدگاه به جملات غیر تشریحی (گذرا و اشاره‌ای) منتهی می‌گردد؛ حال این جملات، یا فلسفه داستان را بیان می‌کنند و یا از عواملی هستند که اشاراتی به وقایع و حوادث حاشیه‌ای داستان همانند آوازه سلیمان(ع) دارند. وجه شباهت پنجم، این است که از نظر هر دو کتاب، ملکه سبا با هدف غایی درک و دریافت حکمت سلیمان(ع)، با وی ملاقات کرده است؛ هرچند در اهداف آغازین و واسطه این اقدام، تفاوت‌هایی میان این دو متن وجود دارد.

۲. اختلافات قرآن کریم و عهد قدیم در نقل تاریخی

باید دانست که با وجود اشتراک قرآن کریم و عهد قدیم در اصل گزارش این واقعه تاریخی، در چگونگی این گزارش‌ها تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد؛ برخی از این اختلافات، مربوط به قالب و شیوه بیان، و برخی دیگر مربوط به عناصر و محتوای داستان است. مجموع این تفاوت‌ها را می‌توان در تنوع موارد موجود در گزارش‌های قرآن و عهد قدیم، هدف‌مندی این گزارش‌ها، افزایش و کاهش مفاد گزارش‌ها و ناسازگاری این گزارش‌ها خلاصه نمود که به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

نخستین تفاوت را باید در حجم مطالب و ارکان داستان دانست؛ قرآن کریم، ماوقع را برخلاف عهد عتیق، مفصل‌تر و با تشریح بیش‌تر آورده و از عناصر کلیدی و مهم تفسیری هم‌چون: خبر آوردن هدهد، فرستادن نامه، احضار تخت بلقیس و عبور بلقیس از آبگینه یاد کرده که در عهد عتیق از این عناصر خبری نیست.

دومین مورد، درباره اصالت و عصمت سلیمان(ع) است. در مورد اصل و نسب حضرت سلیمان(ع)، قرآن کریم داوود(ع) و سلیمان(ع) را پیامبران الهی معرفی می‌کند و ایشان را با هر صفت نیک که لازمه عصمت و قداست پیامبر است، ستوده و از هر ردیلتی تبرئه نموده است که البته رذالت هرگز با مقام نبوت الهی سازش ندارد. بنابراین، قرآن کریم ساحت حضرت داوود(ع) و سلیمان(ع) را هم‌چون ساحت سایر پیامبران میرا از پلیدی می‌داند و اختصاصاً در مورد حضرت سلیمان(ع) می‌فرماید: *...وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ...* (سلیمان(ع) کافر نشد) (بقره: ۱۰۲)؛ نیز ساحتش را از این که -نعوذبالله- از زنا متولد شده باشد منزه دانسته که به معنای برائت حضرت داوود(ع) از تهمت ارتکاب زنا و حرکات ناجوانمردانه از نظر قرآن کریم است.

مورد سوم، درباره جایگاه (پادشاهی یا پیامبری) است؛ قرآن در مورد فرجام حضرت سلیمان(ع) می‌فرماید که حکمت سلیمان(ع) او را به درجه بالایی از تقوا رساند و همین حکمت باعث رستگاری او شد (نمل: ۱۵؛ انبیاء: ۷۹). در نقطه مقابل، دیدگاه عهد قدیم چنین است که حضرت سلیمان(ع) پادشاه است؛ لذا به مقام والای نبوت آن منصب عالی الهی جسارت نموده و حضرت داوود(ع) را متهم به زنا با زنی نموده که متعلق به کسی دیگر و یکی از افسران برجسته‌اش بوده، که زن از این رابطه، باردار شده و ثمره این عمل شنیع، تولد حضرت سلیمان(ع) اعلام می‌شود. هم‌چنین به باور عهد عتیق، حضرت سلیمان(ع) در اواخر عمر خود، دچار بت‌پرستی و انحراف گردیده است. (کتاب‌هایی از عهد عتیق ۱۳۸۰، یوشع بن سیر ۴۷: ۱۴-۲۳۱؛ پادشاهان ۲: ۲۳)

از مطالب یادشده، چنین برداشت می‌شود که در تطبیق دو دیدگاه قرآن و تورات، گرچه در بیان اصل داستان اشتراکاتی وجود دارد، اختلافات فاحشی نیز بر اصل داستان سایه افکنده است؛ از این رو و با عنایت به معجزه بودن قرآن کریم از یک سو، و تغییرناپذیری

معجزات الهی از سوی دیگر، پذیرش این ادعا که قرآن کریم مطالبش را از کتب پیشینیان گرفته، باطل به نظر می‌رسد.

موضوع چهارم، تفاوت رویکردها (هدایتی یا سرگرمی) در بیان داستان می‌باشد. تأکید قرآن کریم همواره بر جنبه‌های تربیتی داستان‌ها و نیز تلاش برای رشد جایگاه انسانی بندگان است. همین رویکرد در سرگذشت بلقیس نیز به چشم می‌خورد؛ قرآن کریم، ضمن اعلام جرم ابتدایی ملکه سبا مبنی بر انحراف از توحید، بر برجسته‌سازی فرآیند دین‌دار شدن و ارتقای مقام او از بت‌پرستی به توحید اهتمام می‌ورزد؛ در حالی که عهد قدیم، به جای اهتمام بر بازگو کردن این ارزش‌های والای تربیتی و نیز نقطه آغاز حرکت بلقیس در داستان، بر مسائل حکومتی تأکید نموده است.

دیگر آن که مقصود قرآن کریم از طرح داستان دیدار ملکه سبا و حضرت سلیمان(ع)، بیان لوازم ایمان و خداباوری است؛ از این رو، اولاً ایمان آوردن می‌باید قرین حکمت و دانش باشد تا عقل آن را دریابد؛ ثانیاً به وجود راهنمای کارآمد نیاز است تا بتواند شبهه‌های احتمالی این مسیر را در ذهن افراد پاسخ گوید و تردیدها را خنثی نماید؛ ثالثاً ایمان آوردن می‌باید ارادی و با اشتیاق صورت پذیرد. به همین دلیل، راهنمایی چون سلیمان(ع) با وجود توانایی در حکومت، منحصرأ از طریق فراهم نمودن بستر تغییر در اندیشه ملکه سبا، ایمان را در وجود او بارور ساخت. بر خلاف عهد قدیم که عقیده دارد قدرت و شوکت حضرت سلیمان(ع) سبب تمکین ملکه سبا گشت. به عبارت دیگر، روایت داستان در متن عهد قدیم، صرفاً ذهن را به جلال و شکوه حضرت سلیمان(ع) و سرزمین ملکه سبا منحصر می‌سازد و دنبال راهبردهای تربیتی نیست.

نکته پنجم را می‌توان محتوای الهی (اعجاز) و غیرالهی مآوق دانست. قرآن کریم در بیان حقایق علمی و معرفتی، روشی متفاوت با عهد قدیم دارد. از این رو، در طرح مباحث، از آمیختن معارف و احکام با موعظه و حکمت بهره می‌برد تا هم‌زمان از مطالعه یک موضوع واحد، بهره‌های گوناگون حاصل شود. قرآن ضمن بیان حقایق، به ابعاد هدایتی و هدایت‌گری آن‌ها می‌پردازد؛ از این رو، در بیان وقایع تاریخی، آن بخش‌هایی را بیان می‌نماید که با هدف اصلی آن که هدایت مردم است، سنخیت داشته باشد؛ افزون بر این،

مطالب مربوط به یک موضوع را به تناسب معنای مورد نظر و با زبانی خاص و به فراخور هر موضع، در آیات و سوره‌های گوناگون ذکر می‌کند تا ضمن رعایت ویژگی موعظه و پندآموزی، انسان را به سعادت نزدیک‌تر نماید. قرآن کریم می‌خواهد از این طریق، به یکتایی خداوند متعال، و قدرت، علم و حکمت او پی ببریم و با صدق و یقین اعتراف نماییم که «ربنا ما خلقت هذا باطلاً» و از این تصدیق و اعتراف، به این نتیجه برسیم که ما نیز بیهوده خلق نشده‌ایم و برای هدف والایی که شناخت خدا و پیروی از دستورهای اوست آفریده شده‌ایم؛ پس باید خود و دیگران را به سوی ربوبیت و کمال پیش ببریم؛ این همان تربیت و هدایت قرآنی است که تحولی در روح و فکر ایجاد می‌کند. برخلاف عهد قدیم که ضمن بیان داستان مورد نظر، به جوانب گوناگون که چه هستند و چه اثری دارند دیگر کاری ندارد و به دنبال تعیین مبدأ فاعلی و هدف نهایی آن‌ها نیست و بیش‌تر، جلوه‌های قدرت را برجسته می‌نماید؛ بنابراین عهد قدیم تأکیدی بر پیام‌رسانی در گزارش تاریخ ندارد و تنها به ثبت حوادث می‌پردازد؛ اما در قرآن کریم، هر صحنه از صحنه‌های داستان ملکه سبا را که گزارش می‌کند، همراه با القای پیامی هدایتی برای بشر است.

نتیجه

یکی از راه‌های اثبات حقانیت قرآن کریم، تأمل تطبیقی در گزارش سرگذشت انبیای الهی است؛ لذا در این نوشتار، داستان حضرت سلیمان(ع) و ملکه سبا در قرآن کریم و عهد عتیق، بررسی تطبیقی شد و مشخص گردید که:

نخست: قرآن کریم، سلیمان(ع) و داوود(ع) را پیامبران الهی معرفی کرده، بهترین اوصاف را در مورد نسب و خانواده حضرت سلیمان(ع) و نوع ازدواج حضرت داوود(ع) به کار برده و هر دو پیامبر الهی را از هر صفت زشتی مبرا دانسته است. قرآن کریم، سلیمان(ع) را صاحب حکمت و دانشی خدادادی معرفی می‌کند که تا فرجام زندگی وی همراه اوست. هم‌چنین قرآن در خصوص داستان ملکه سبا، از ابتدا تا انتها، تک‌تک صحنه‌های این وقایع، اعم از خیر آوردن هدهد، فرستادن نامه، احضار تخت بلقیس، عبور بلقیس از آبگینه و ملاقات او با سلیمان(ع) را با هدف هدایت بشر بیان می‌نماید.

دوم: کتاب مقدس، سلیمان(ع) را پادشاه بنی اسرائیل معرفی می کند که انتصاب او توسط بشر و رایزنی مادر سلیمان(ع) صورت پذیرفته است. آنچه در سیمای عهد قدیم راجع به نسب و خانواده حضرت سلیمان(ع) و نوع ازدواج حضرت داوود(ع) بازتابیده، حکایت از تولد حضرت سلیمان(ع) -نعوذبالله- از طریق عمل شنیع زنا توسط حضرت داوود(ع) با همسر یکی از افسران برجسته اش دارد. کتاب مقدس هم چنین بیان می کند که سلیمان(ع) اگرچه صاحب حکمت و دانش فراوانی بوده، در آخر عمر، این حکمت کاهش یافته و وی به بت پرستی روی آورده است. هم چنین در خصوص داستان ملکه سبا نیز بیش تر به مسائل سلطنتی، هدایا و نحوه ورود ملکه به کاخ می پردازد، به این صورت که: «ملکه سبا وقتی شنید که خداوند به سلیمان(ع) حکمت و قدرت داده است، تصمیم گرفت به دیدار او برود».

سوم: اگرچه نسب، جایگاه و حکمت سلیمان(ع) و هم چنین اصل وجود تاریخی داستان سلیمان(ع) و ملکه سبا در هر دو کتاب، به تصریح بیان شده است، از نظر محتوایی، روش، ساختار، هدف اصلی در خصوص گزارش همین اشتراکات(نسب، جایگاه و حکمت سلیمان(ع))، اختلافات و افتراقات آشکاری به چشم می خورد. ضمن این که روایت داستان در این دو کتاب، از نظر حجم مطالب و ارکان اصلی نیز متفاوت است؛ قرآن کریم با تفسیر و تحلیل بیش تر بدان پرداخته و عهد قدیم داستانی خلاصه تر بیان نموده و از برخی مسائل نیز سخنی به میان نیاورده است. اما برجسته ترین تفاوت در نقل این داستان، آن است که عهد قدیم تأکیدی بر پیام رسانی از خلال تشریح گزارش تاریخی ندارد و تنها به ثبت حوادث می پردازد، اما قرآن کریم از گزارش هر صحنه، پیام هدایت ویژه ای را برای بشر اراده فرموده است؛ لذا از شاهراه بررسی این عناصر و نیز بررسی مسأله عصمت سلیمان(ع) و هم چنین جایگاه پیامبری (و نه پادشاهی) او، می توان دریافت که محتویات و هدف از بیان داستان در قرآن کریم، از چنان در آمیختگی محتوایی و ابعاد هدایت گری برخوردار است که جنبه واقعی اعجاز آن بیش از پیش تبلور می یابد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آلوسی، سید محمود، تفسیر روح المعانی، تحقیق عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن‌العربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر، احکام القرآن، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۳. ابن‌جزی غرناطی، محمد بن احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت: شرکت دارالرقم بن ابی‌الرقم، ۱۴۱۶ق.
۴. ابن‌جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۵. ابن‌عربی، ابوعبدالله محیی‌الدین محمد، تفسیر ابن‌عربی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۶. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۷. ایازی، سید محمد علی، داستان سلیمان(ع) و بلقیس و استناد به آن در جهاد ابتدایی، پژوهش‌های قرآنی مشهد، دوره ۱۹ شماره ۷۳، ص ۵۲-۷۱، ۱۳۹۲ش.
۸. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۹. بلاغی، صدرالدین، فرهنگ قصص قرآن، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳ش.
۱۰. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبد الله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۱۱. ثعالبی، عبدالرحمان بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، تحقیق شیخ محمدعلی معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۲. حجازی، محمد محمود، التفسیر الواضح، بیروت: دارالجیل الجدید، ۱۴۱۳ق.
۱۳. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۴. رسول زاده، عباس، سلیمان، اسطوره یا تاریخ، معرفت ادیان، دوره ۴ شماره ۱، ۱۵۳-۱۷۵، ۱۳۸۹ش.
۱۵. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.
۱۶. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التاویل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۷. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، حکمت و حکیم در عهد قدیم، قیسات، دوره ۳ ش ۳۵، ص ۱۲۷-۱۴۴، ۱۳۸۴ش.
۱۸. سید بن قطب، بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۱۹. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۰. شفیع، روح‌الله، بررسی تاریخی خاندان پیامبران در قرآن و مقایسه آن با عهدین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۱ش.
۲۱. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، بیروت: دار ابن‌کثیر، ۱۴۱۴ق.

۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

۲۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ترجمه حبیب یغمایی، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.

۲۵. عباسی، مهرداد و ژاله آزادگان، بررسی تطبیقی داستان دیدار حضرت سلیمان(ع) و ملکه سبا در قرآن، تورات و منابع اسلامی، فصلنامه قرآنی کوثر، دوره ۱۲ شماره ۴۳، ص ۵۳-۷۴، ۱۳۹۱.

۲۶. فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر، ترجمه علی اصغر حلبی، قم: اساطیر، ۱۳۷۹.

۲۷. فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ق.

۲۸. فیضی دکنی، ابوالفضل، سواطع الالهام فی تفسیر القرآن، قم: دارالمنار، ۱۴۱۷ق.

۲۹. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن. تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۶ش.

۳۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷.

۳۱. کتاب مقدس (تورات)، انجمن بین المللی کتاب مقدس (چهارم) (۲۰۰۹م).

۳۲. کتاب‌هایی از عهد عتیق (کتاب‌های قانونی ثانی) بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، مترجم: پیروز سیار، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰ش.

۳۳. کاشانی، فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام مخالفین، تهران: کتاب‌فروشی محمدحسن علمی، ۱۳۳۶.

۳۴. گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.

۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش.

۳۶. ناس، جان بایر، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ش.

۳۷. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد. تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان. تحقیق شیخ زکریا عمیرات. بیروت: دارالکتب العلمیه. ۱۴۱۶ق.

A. Ro (1956) "Solomon in the Aggadah," *Encyclopedia Judaica*, v. 15, New York, The Macmillan Company, p106-108.

Cohn, Sh (2003) *Dan. Judaism: History Belief, And Practice*, Canada: outledge.

Comay, J (2002) *Who's Who in the Old Testament*, London & New York: Routledge.

Karesh, E. Mitchell, M. Hurvitz (2006). *Encyclopedia of World Religions*. Encyclopedia of Judaism. Editor: J. Gordon Melton. New York: Facts on File, Inc.

Landman, I (1969). *The Universal Jewish Encyclopedia*, New York: KTAV Publishing.

Lucks, N (2009). *Queen of Sheba (Ancient World Leaders)*, (New York: Chelsea House.

Scott, (1978). R, Wisdom In: *Encycloaedia Judaica*, V. 16, (Jerusalem 1978- 1982).

Abramsky S. Spring D. *Solomon, in Encyclopaedia Judaica*, Slikonof, Second edition, volume. 18, P. 756.

Seters, J (1987) "Solomon", In: *The Encyclopedia of Religion*, V. 13, and Mircea Eliade. Macmillan Publishing Company, New York.

Bibliography

The Noble Quran.

Other References

- ‘Arousi Howayzi, ‘Abd ‘Ali Ibn Jom’ah, *Nour al-Thaqalayn*, 4th ed., Qom: Ismā’iliyān, 1415 A.H.
- Abbāsi, Mehrdād, Āzādegān, Zhāleh, "Comparative Study of the Meeting between Solomon and the Queen of Sheba in the Qur’ān, Torah: Islamic sources", *Kowsar Quranic Quarterly*, 1391 S.H.
- Ālousi, Seyyed Mahmoud, *Tafsir Rouh al-Ma’āni*. Researched by Abdolbāri ‘Atiah, Beirut: Scientific Library, 1415 A.H.
- Andalouziyān, Abou Hayyān Mohammad, *al-Bahr al-Mohit fi al-Tafsir*, Beirut: Dār al-Fekr, 1420 A.H.
- Ayāzi, Seyyed Mohammad ‘Ali, "The Story of Solaymān and Belqays and Its Citation in the Elementary Jehād", *Quranic Researches of Mashhad*, 1392 S.H.
- Baghavi, Hosayn Ibn Mas’oud, *Ma’ālem al-Tanzil (Tafsir-e Baghavi)*, Beirut: al-Torāth al-‘Arabi, 1420 A.H.
- Balāghi, Sadroddin, *Farhang-e Qesas-e Qur’ān*, Tehran: Amir Kabir, 1373 S.H.
- Balkhi, Maqātel Ibn Solaymān, *Tafsir Maqātel Ibn Solaymān*. Researched by Abdollāh Mahmoud Shehātah. Beirut: Dār Ehyā’ al-Torāth al-‘Arabi, 1423 A.H.
- Books of the Old Testament, Based on the Bible of Jerusalem*, Translated by Pirouz Sayyār, Tehran: Ney, 1380 S.H.
- Fakhr Rāzi, Mohammad Ibn ‘Omar, *al-Tafsir al-Kabir*, Translated by Ali Asghar Halabi. Qom: Asātir, 1379 S.H.
- Fayzi Dokni, Abolfazl, *Savāte’ al-Ilhām fi Tafsir al-Qur’ān*, Qom: Dār al-Menār, 1417 A.H.
- Fazlollāh, Seyyed Mohammad Hossayn, *Tafsir men Vahy al-Qor’ān*, Beirut: Dar al-Melāk, 1419 A.H.
- Gonābādi, Soltān Mohammad, *Bayān al-Sa’ādah fi Maqāmāt al-‘Ebādah*, Beirut: lel-Matbou’āt, 1408 A.H.
- Hejāzi, Mohammad Mahmoud, *al-Tafsir al-Vāzeh*, Beirut: Dār al-Jadid, 1413 A.H.
- Ibn ‘Arabi, Mohammad Ibn ‘Ali, *Tafsir Ibn ‘Arabi*, Beirut: Dār Ehyā’ al-Torāth al-‘Arabi, 1422 A.H.
- Ibn Jozay, ‘Abd al-Rahmān Ibn Ali, *Zād al-Masir fi ‘Elm al-Tafsir*, Beirut: Dār al-Ketāb al-‘Arabi, 1422 A.H.
- Ibn Jozay, Mohammad Ibn Ahmad, *al-Tashil le-‘Oloum al-Tanzil*, Beirut: Dār al-Arqam Ibn Abi al-Arqam, 1416 A.H.
- Ibn ‘Arabi, Abou ‘Abdullah Moh al-Din Mohammad, *Tafsir Ibn Arabi*. Beirut: Dār Ehyā’ al-Torāth al-‘Arabi 1422 A.H.
- Ibn al-‘Arabi, Mohammad Ibn ‘Abdollāh Ibn Abou Bakr, *Ahkām al-Qur’ān*, N.P: N.N, N.D.
- Kāshāni, Fathollāh, *Menhāj al-Sādeghin*, Tehran: ‘Elm, 1336 S.H.

- Makārem Shirāzi, Nāser, *Tafsir-e Nemouneh*, Tehran: Dār al-Kotob al-Islāmiyah, 1374 S.H.
- Neyshābouri, Nezāmoddin, *Tafsir Gharā'eb al-Qur'ān va Ragā'eb al-Forqān*, Beirut: Dār al-Ketāb al-'Alamiyah, 1416 A.H.
- Noss, John, *Comprehensive History of Religions*. Translated by Ali Asghar Hekmat, Tehran: 'Elmi Farhangi, 1386 S.H.
- Qarshi, 'Ali Akbar, *Qāmous-e Qur'ān*, Tehran: Amir Kabir, 1376 S.H.
- Qomi, 'Ali Ibn Ibrāhim, *Tafsir-e Qomi*, Researched by Seyyed Tayyeb Mousavi Jazāyeri, 4th ed., Qom: Dār al-Ketāb, 1376 S.H.
- Rasoulzādeh, 'Abbas, "Solomon, Myth or Hstory?" *Knowledge of Religion*, 1389 S.H.
- Seyyed Qotb, Ibrāhim Hosayn Shāzeli, *Fi Zelāl al-Qur'ān*, 5th ed., Beirut: Dār al-Shorouq, 1412 A.H.
- Shafi'i, Rouhollāh, *A Historical Study of Prophets in the Qur'ān and Its Comparison with the Testaments*, Tehran: 'Allāma Tabātabā'i University, 1391 S.H.
- Shoukāni, Mohammad, *Fath al-Qadir*, Beirut: Dār Ibn Kathir, 1414 A.H.
- Soleymāni, Abd al-Rahim, *Wisdom and Wisdom in the Old Testament, Qabasāt*. Vol. 3, 1384 S.H.
- Soyouti, 'Abd al-Rahmān Ibn Abi Bakr, *al-Dor al-Manthour fi Tafsir al-Ma'thour*, Qom: Āyatollāh Mar'ashi Najafi Library, 1404 A.H.
- Tabari, Mohammad Ibn Jarir. *Jāme' al-Bayān*, Beirut: Dar al-Ma'ref, N.D.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hasan, *Tafsir Majma' al-Bayān*, Tehran: Nāser Khosrow, 1372 S.H.
- Tabātabā'i, Mohammad Hosayn, *Tafsir al-Mizān*, Vol. 5, Qom: Islamic Publication of Jāme'ah Modarresin Howza 'Elmia Qom, 1417 A.H.
- Tha'labi, 'Abd al-Rahman Ibn Mohammad, *al-Kashf va al-Bayān 'an Tafsir al-Qur'ān*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1418 A.H.
- The Bible Torah*, International Bible Society, 2009.
- Zahili, Wahba Ibn Mostafā, *al-Tafsir al-Monir*, Beirut: Dār al-Fekr, 1418 A.H.
- Zamakshari, Mahmoud, *al-Kashaf*, Beirut: Dār al-Ketāb al-'Arab, 1407 A.H.



فهرست مقالات

- ۹..... بررسی تطبیقی رویکرد وثاقت خبری و وثاقت مخبری به احادیث اهل بیت (ع) و نقش آن در تفسیر قرآن کریم
علی عبدالله زاده | مهدی ایزدی
- ۳۳..... بررسی فضای نزول آیه وارتان زمین با تکیه بر تفاسیر فریقین
فاطمه باباعلی | محمد مهدی تقدیسی | جعفر نکونام
- ۶۱.. بررسی تحلیلی آراء قرآن پژوهان فریقین در دلالت آیه ۲۱۹ سوره شعراء بر یکتاپرستی نیاکان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)
علی محمدی آشنانی | اکرم ناطق | حسین علوی مهر
- ۸۵..... تفسیر تطبیقی آیه ۱۵۹ سوره نساء و ارتباط آن با نزول حضرت عیسی (ع)
سعید توسلی خواه | دکتر ابراهیم ایزدخواه
- ۱۰۱..... نظریه پردازی تطبیقی درباره عصمت پیامبر اکرم (ص) از نائبرگذاری بر وحی
دکتر مصطفی کریمی | صدیقه پروان
- ۱۲۹..... تحلیل انتقادی دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله معرفت درباره بطن قرآن کریم
دکتر مهیار خانی مقدم | دکتر سیده سعیده غروی
- ۱۶۱..... بازخوانی آیه *و لا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ* با رویکرد پیوستگی و استقلال آیات
محمد بهرامی
- ۱۸۱..... گستره معرفتی قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی
سلیمان خاکبان
- ۲۰۷..... بررسی و تحلیل تفسیری داستان سلیمان (ع) و ملکه سبا در نگاه قرآن کریم و تطبیق آن با عهد قدیم
سید حسین حسینی بجدنی | مهدی مهریزی طرقي | سید محمد باقر حجتی | عنایت شریفی
- ۲۳۳..... بررسی قرآنی دیدگاه فمینیست‌های مسلمان و فمینیست‌های غربی در فرزندآوری
زینب شمس | طلعت حسنی
- ۲۶۹..... بررسی تطبیقی آراء مفسران در تفسیر «هَذَا رَجِي» در آیات ۷۶ تا ۷۹ سوره انعام با تکیه بر ارتباط آیات
محمد حسین برومند | امیر جودوی | سامیه شهبازی
- ۲۹۷..... تحلیل تطبیقی عملکرد تفسیری فخر رازی و آلوسی در مساله جسم‌انگاری خداوند
محمد بزرگزاده | حسین خاکپور | ابراهیم نوری
- ۳۲۳..... بررسی و نقد دیدگاه مفسران درباره آیه ۱۲۰ سوره انعام (تحلیلی از ظاهر و باطن ائم)
رضا مهدیان‌فر | سید محمود طیب حسینی

